

بیداری تدریجی چپ اسرائیل در میانه جنگ و بحران انسانی غزه برگردان از فرهاد صفاری



در حالی که نوار غزه زیر سنگین‌ترین بمباران‌های اسرائیل تقریباً به‌طور کامل ویران شده و شمار قربانیان رسمی جنگ از مرز ۶۰ هزار نفر گذشته است، نشانه‌هایی از تحرک دوباره در میان نیروهای چپ اسرائیل دیده می‌شود. این نیروها که طی نزدیک به دو سال جنگ ویرانگر و به گفته سازمان حقوق بشری اسرائیلی «بتسلم» با ابعاد «نسل‌کشی» عملاً نتوانسته بودند برنامه و چشم‌اندازی متفاوت از فضای انتقام‌جویانه پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ به جامعه ارائه دهند، اکنون با وجود ضعف و پراکندگی، در صحنه اعتراضات و همبستگی حاضر می‌شوند.

طی هفته‌های اخیر، تحولات تازه‌ای در نگاه بخشی از جامعه اسرائیل به بحران انسانی غزه پدید آمده است. خستگی و ناامیدی خانواده‌های گروگان‌ها پس از حدود ۷۰۰ روز انتظار، تلفات فزاینده سربازان در عملیات نظامی، و گسترش قحطی تحمیل‌شده بر مردم غزه که حتی بخشی از محافظ لیبرال اسرائیل را نیز تحت‌تأثیر قرار داده، زمینه را برای تغییر فضای عمومی فراهم کرده است. این شرایط برخلاف هدف نخست‌وزیر بنیامین نتانیاو پیش‌رفته که با گشودن جبهه‌ای جدید علیه ایران در صدد خاموش کردن اعتراضات بود.

جنگ دوازده روزه با ایران هرچند در بخشی از جامعه یهودی اسرائیل حمایت برانگیخت، اما خسارات سنگین ناشی از حملات موشکی بالستیک ایران به شهرهایی مانند تل‌آویو، حیفا و بئر‌السبع، فشار روانی و اجتماعی بی‌سابقه‌ای ایجاد کرد. با وجود اعلام «بازگشت به عادی‌سازی» از سوی دولت، تقاضا برای خدمات روان‌درمانی به‌طور چشمگیری افزایش یافته و خستگی عمومی به اوج رسیده است.

در همین حال، اعتراضات خیابانی که پیش‌تر به نقطه فرسودگی رسیده بودند، جانی تازه گرفته‌اند. شعارها تندتر شده و موضوع رنج مردم غزه، هرچند با تأخیر، راه خود را به میان جریان‌های لیبرال معترض به دولت گشوده است. برای نخستین بار، گزارش‌های دو سازمان حقوق بشری اسرائیلی، «بتسلم» و «پزشکان برای حقوق بشر - اسرائیل»، که آنچه در غزه رخ می‌دهد را «نسل‌کشی» توصیف کرده‌اند، به رسانه‌های داخلی راه یافته و به شکستن فضای انکار کمک کرده‌اند.

در عرصه دانشگاهی نیز واکنش‌ها افزایش یافته است. پس از کارزار «پرچم سیاه» که از سوی گروهی از دانشگاهیان راه‌اندازی شد، رؤسای پنج دانشگاه بزرگ اسرائیل، از جمله دانشگاه تل‌آویو و دانشگاه عبری اورشلیم، در نامه‌ای سرگشاده به نتانیا‌هو، قحطی در غزه را محکوم و خواستار آتش‌بس شدند؛ نامه‌ای که با اتهام «پروپاگاندا‌ی حماس» از سوی وزیر آموزش روبه‌رو شد.

از اوایل ژوئیه، اعتراضات ضد دولتی هر روز بیشتر بر مسئولیت دولت در تشدید قحطی غزه تمرکز کرده‌اند. تظاهراتی با حضور هزاران نفر در تل‌آویو، همراه با تصاویر کودکان جان‌باخته بر اثر گرسنگی، فضای عمومی را تحت‌تأثیر قرار داد. یک هفته بعد، گردهمایی مشابهی با حمایت گروه‌هایی چون «سربازان برای گروگان‌ها» و «جنبش اعتراضی صنعت فناوری» برگزار شد که پیش‌تر در چنین کارزارهایی شرکت نداشتند.

گروه‌های رادیکال چپ مانند «بلوک رادیکال تل‌آویو» که از بهار ۲۰۲۴ با نمایش‌های خیابانی به کشتار کودکان غزه اعتراض می‌کردند، اکنون شاهد پیوستن گسترده‌تر جریان‌های اصلی به این مطالبات‌اند. در همین راستا، تظاهرات بزرگ اواخر ژوئیه در شهر سخنین - با حضور بیش از ۱۰ هزار نفر، عمدتاً شهروندان فلسطینی اسرائیل و نیز شماری از یهودیان - علیه قحطی و ویرانی غزه برگزار شد.

پس از این تظاهرات، کمیته عالی پیگیری امور عرب‌های اسرائیل سه روز اعتصاب غذا در یافا سازمان داد که سیاستمداران فلسطینی و فعالان یهودی نیز در آن شرکت کردند. این حرکت، صحنه نشست‌ها و برنامه‌هایی با محوریت همبستگی با مردم گرسنه غزه شد.

برای نخستین بار در حدود ۲۲ ماه گذشته، شواهدی از شکسته شدن سکوت و بی‌توجهی بخشی از جامعه لیبرال یهودی اسرائیل به فاجعه غزه دیده می‌شود. تحلیلگران این تغییر را نه تنها نتیجه فرسودگی اجتماعی و حضور مداوم جنگ در زندگی روزمره، بلکه محصول تشدید سیاست‌های اقتدارگرایانه دولت می‌دانند.

نمونه تازه این روند، تلاش ناکام برای محروم کردن ایمن عوده، نماینده باسابقه کنست، از سمتش بود که با کارزار تخریب و حتی حملات فیزیکی از سوی راستگرایان افراطی همراه شد. همچنین پیشبرد طرحی برای محدود کردن فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد دریافت‌کننده کمک خارجی، اعتراضات بیشتری را برانگیخته است.

برخی ناظران بر این باورند که سیاست‌های اقتدارگرایانه کابینه نتانیاو ریشه در دهه‌ها اشغال و شهرک‌سازی در کرانه باختری و احتمالاً اشغال دوباره غزه دارد. به گفته مایکل اسفارد، وکیل حقوق بشری اسرائیلی، هدف این روند، «ادغام کامل کرانه باختری در ساختار دولتی اسرائیل و تحکیم سلطه یهودی» است.

به باور نویسندگان این دیدگاه، وظیفه اصلی چپ اسرائیل، تلاش برای ایجاد جنبشی فراگیر با محوریت عدالت و برابری برای همه مردم اسرائیل و فلسطین است؛ هدفی که تنها با یک ائتلاف یهودی-فلسطینی می‌تواند به‌طور مؤثر پیگیری شود و هم‌زمان با کارزار علیه قحطی و ویرانی غزه پیش رود.

برگردان: فرهاد صفاری

برگرفته از تارنمای اخبار روز، جمعه 17 مرداد 1404

ضرورت پیروزی انقلاب دمکراتیک در مقطع کنونی



فرامرز دادور

امروز ما شاهد هستیم که در سطح جهان و ایران جنایات حکومتی و ترورهای گروهی و عقیدتی و گاه‌ها اتنیکی و مذهبی، همواره برقرار است. در خاورمیانه ابعاد کشتارها و نابودی زندگانی برای مردم بسیار وحشتناک است. در سال گذشته بیش از 60 هزار فلسطینی و هزاران لبنانی بدست نیروهای اسرائیل با همکاری امپریالیسم امریکا کشته شده‌اند و از طرف دیگر جریانهای بنیادگرای مذهبی با پشتیبانی رژیم جمهوری اسلامی نیز به ابعاد ترور، جنایت و تشدید جنگ خانمان برانداز، همواره افزوده‌اند. در واقع، تجاوز نظامی، اشغالگری، آپارتاید نژادی، بنیادگرایی مذهبی و دخالت‌های قدرتهای خارجی باعث آسیب‌های وحشتناک حقوق بشری گشته، پایه‌ای ترین سطح برای زیست را از اکثریت توده‌های مردم ربوده است.

در ایران، از اوان ظهور نظام تئوکراتیک جمهوری اسلامی در سال 1357، سرکوبهای پلیسی، بازداشت، شکنجه و اعدام همواره شیوه اصلی رژیم برای مقابله با اعتراضات حق طلبانه مردم و از جمله مدافعان آزادیهای دمکراتیک و مشارکت فردی و گروهی در حق تعیین سرنوشت اجتماعی و سیاسی بوده است. اعدامهای وسیع در اوایل سالهای 60، کشتار هزاران زندانی سیاسی در سال 67 و تداوم قتل‌های دولتی و از جمله قتل‌های زنجیری تنها نمونه‌هایی از حجم فجایع انجام گرفته از سوی رژیم میباشد.

حکومتگران در حین تداوم سرکوبهای حاکی از ارزشهای خشونت بار و واپس گرای مذهبی و سیاست اقتصادی آلوده به ناعدالانه ترین موازین سرمایه داری، جامعه را درگیر آسیبهای گسترده و از جمله فقر، فساد، فاصله عظیم طبقاتی، تبعیضات جنسی-جنسیتی و اتنیکی و حجاب اجباری نموده اند. در مقابل، با وجود تداوم خفقان سیاسی و مذهبی، اکثریت مردم بطور مسالمت آمیز و پیوسته در جهت احقاق حقوق اولیه خود مانند دسترسی به آزادی های بیان، تشکل یابی، پوشش و مطبوعات و بهبودی وضعیت اقتصادی تلاش نموده اند. در سالهای اخیر، 96، 98 و 1401 خیزشهای مردمی که آخرین آن تحت عنوان "زن، زندگی، آزادی" بعد از کشته شدن مهسا (ژینا) امینی در بیش از صد شهردر جریان بود، پایه های سیاسی و اجتماعی نظام را شدیداً لرزانده است. سردمداران رژیم جمهوری اسلامی طبق معمول با توحش زیاد به سرکوب حرکتهای اعتراضی مردم که عمدتاً مسالمت آمیز بود، پرداختند و جان صدها تن از قیام کنندگان را گرفته و هزاران نفر دیگر را در بازداشتگاه ها حبس نمودند.

واقعیات تاریخی نشان میدهند که در عصر مدرن، جنبش چپ میباید به ضرورت استقرار دموکراسی و جمهوری جهت پیشرفت بسوی سوسیالیسم واقف باشد. اگر استنباط از جمهوری وجود نوعی از ساختار سیاسی است که وظایفی مانند وضع قوانین و نظارت دموکراتیک بر اجرای امور جامعه را بر عهده نمایندگان واقعی توده های مردم که در یک مجلس سراسری و همزمان در مجالس محلی انتخاب گردیده اند، بگذارد، در آن صورت روشن است که در این مقطع از تاریخ، برقراری این نظام سیاسی یک نیاز حیاتی برای پیشرفت آزاد و عادلانه اجتماعی میباشد. بر خلاف بسیاری از ایده های ذکر شده از سوی جریانات راست و بخشهایی از چپ، پیشرفت انسانی جامعه قبل از هر چیز در گرو وجود دموکراسی یعنی وجود ساختارها، موازین و شیوه های مناسب برای مشارکت برابر گونه عموم در تصمیمات مربوط به امور جامعه بوده، در این راستا وجود نظام سیاسی دموکراتیک یک ضرورت اجتماعی میباشد. از دیدگاه جنبش چپی که بدرستی دموکراسی کامل را نهایتاً در نفی سرمایه داری و استثمار و ایجاد خود مدیریتی اشتراکی، بدور از تبعیضات طبقاتی، جنسی، جنسیتی، نژادی، قومی و مذهبی میداند، استنباط منطقی در حال حاضر این است که طی پروسه تاریخی به آن مرحله، جنبه های سازنده تنیده شده در دموکراسی کنونی که بطور نسبی در چارچوب سرمایه داری حاصل گردیده، مانند وجود ساختارها و موازین دموکراتیک (ب.م. پارلمان و انتخابات آزاد) و آزادیهای اجتماعی (ب.م. بیان، تشکل یابی،

انتخابات، غیره) اصول حیاتی را برای تعمیق دموکراسی به همراه دارند.

در ایران که نظام برخاسته از دیکتاتوری مذهبی/سیاسی موجب اوج گیری فساد، انحصارگرایی، رانت خواری و غارت اقتصادی از سوی سرمایه داران حاکم در حیطه های مالی، تجاری و بوروکراتیک شده و تحت استیلای شدیداً سرکوبگرانه از طرف حکومتگران ولایت فقیه توده های مردم وسیعاً چپاول میگردند، عبور از نظام حاضر ضرور میباشد. در عین حال، در شرایط کنونی در ایران، مانند بسیاری از جوامع توسعه یابنده، اوضاع بگونه ای است که هنوز عوامل عینی (پیشرفتگی در نیروهای مولد مانند منابع تکنیکی، تدارکات مدیریتی، رشد کمی و کیفی در میان طبقه کارگر و اقشار زحمتکش، ظهور آن سطح از بحرانهای سیاسی؛ اقتصادی و اجتماعی که به نفع نظام حاضر از طرف اکثریت مردم بینجامد) و فاکتورهای ذهنی (سطح آمادگی لازم فکری و سازمان یافتگی در میان کارگران و توده های تنگدست برای ایجاد دگرگونیهای بنیادی در مناسبات اقتصادی و اجتماعی) به سطح کیفی ضرور جهت پیروزی انقلاب اجتماعی نرسیده اند.

بخشهای گسترده ای از توده های مردم (حدود 35 درصد) در صفوف خرده بورژوا و فعالان اقتصادی خرده پا قرار دارند که اکثراً، بدور از ارتقا در شناخت و آگاهی لازم، حامل انگیزه های رادیکال برای ایجاد تحولات سیاسی و اجتماعی نیستند. طبقه کارگر حدود 45 درصد از نیروی کار شاغل را تشکیل میدهد. از این جمعیت 85 درصدی که عمدتاً بخشهایی از طبقه کارگر، فعالان خرده پا و محرومان اقتصادی و اجتماعی را تشکیل میدهند، حدود 50 درصد در زیر خط فقر زندگی میکنند (پیکی پدیا). مبارزات جاری، اما همواره محدود گردیده از سوی تام گرایان رژیم، از سوی بخشی از توده های مردم عمدتاً در قالب تجمع های فرهنگی/صنعی مانند شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، گروه اتحاد بازنشستگان، سندیکاهای اتوبوسرانی و هفت تپه و کانون صنفی معلمان بجلو میرود. روشن است که بخاطر تداوم سرکوبهای وحشیانه حکومتی، جنبش آزادیخواه و عدالتخواه مردم در ایران توانائی مشارکت دموکراتیک در بهبودی مطالبات سیاسی و اجتماعی وسیع را ندارد. نبود یک اپوزیسیون گسترده که از جریانات چپ و دمکرات مردمی حول برنامه های سیاسی و اقتصادی/اجتماعی مشخص برای مرحله گذار و دوران بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب تدارک یافته باشد، یکی از موانع عظیم در مقابل

جنبش دمکراسی خواه و عدالتجوی مردم است.

در واقع با توجه به عوامل متنوع و از جمله وجود ناهمگونیهای طبقاتی و در نتیجه نبود اشتراک فکری تاریخی در ارزیابی از علت‌های اجتماعی در ایجاد آسیب‌های معیشتی و اجتماعی و چگونگی اتخاذ شیوه‌های مناسب جهت برخورد به آنها و یافتن راه‌های مشترک سیاسی برای سازماندهی جامعه در ابعاد مختلف عمومی، جنبش‌های رادیکال اجتماعی بویژه فعالان چپ را با معضل‌های پیچیده استراتژیک روبرو میکند. اضافه بر آن بلحاظ عینی، عللی همچون وجود ارتباطات جهانی در فعالیتهای مالی، صنعتی و تکنولوژیک و در واقع اوضاع مدرن مادی در جوامع کنونی که شالوده‌های مانند ساختارها و موازین سیاسی/حقوقی، سیستم‌های پیچیده مالی و بانکی، صنایع و کارخانه‌های عظیم در حیطه‌های مختلف مانند نفت، گاز، شیمیائی، الکترونیک، هوش مصنوعی، راه آهن، هواپیما سازی و کشتیرانی را در بر میگیرد، چاره‌جویی برای سازماندهی جامعه حول محور این گونه مناسبات پیچیده اقتصادی و اجتماعی، قدرت حکومتی سازمان یافته در عرصه سراسری و محلی را میطلبد. مهمتر از همه اینکه نیل به جوامع انسانی و بدور از استثمار و ستم‌های اجتماعی به مشارکت اجتماعی و دمکراتیک توده‌های مردم نیاز دارد، یعنی اهمیت دارد که دمکراسی پی‌گیر و عدالت‌گسترده اقتصادی و اجتماعی، نیز استقرار یابد که بدون شک وجود تجربه‌ها و تخصص‌های تاریخی و مدرن جهت ایجاد آن ضروری است.

واقعیت این است که برای حرکت بسوی سوسیالیسم در این مقطع زمانی به راهکارهای متنوع استراتژیک و گروهی نیاز است. جایگاه طبقاتی و درجه شدت استثمار و ستم‌های سیاسی و اجتماعی بخودی خود کافی نیستند و ارزشها و رهنمودهای آکنده از تجربیات و یادگیریهای اجتماعی که طی سالیان زیاد در میان توده‌های زحمتکش ذخیره شده باشند برای سازندگی سوسیالیسم لازم میباشند. واقعیت‌های کنونی در زندگی بشری و سطح وجود شالوده‌های مادی و موازین ارزشی حاکم، وجود دولت، قانون و سازماندهی اجتماعی سراسری و در عین حال محلی را، حداقل برای یک دوران معین تاریخی جهت برپائی مناسبات مدرن دمکراتیک در راستای مناسبات بدور از استثمار و ستم‌های اجتماعی، ضروری نموده است. سوال این است که در دوران کنونی نگاه جنبش چپ به انقلاب و پدیده دولت در مرحله دوران گذار و دمکراتیک چگونه باید باشد؟ مگر نه این است که توده‌های مردم و جنبش‌های اجتماعی حاضر در ایران به انسجام و

سازمانیابی کنش گرانه نیازمند هستند و آیا ترویج آمال سوسیالیستی بخودی خود کافی است؟

تاریخا بدرستی، تجمعات و سازماندهی کارگری و توده ای استراتژی اصلی را برای جنبش چپ جهت حرکت بسوی سوسیالیسم تشکیل داده است. از اوان پدیدار شدن سرمایه داری، گروه های کارگری و زحمتکشان در شکل هائی مانند اتحادیه ها و شوراها در مقابل ستمگریهای صاحبان سرمایه و حکومتهای حافظ آنها مقاومت نموده به مقابله های اقتصادی و سیاسی پرداخته اند. در واقع در بیشتر انقلابات مردمی (بویژه انقلاب اکتبر 1917 در شوروی) اتکا بر نقش بسیج گرا و مدیریت کننده شوراها کارگری و توده ای از غلظت بالائی برخوردار بود ولی متأسفانه روند تاریخ به نفع حاکمیتهای شورائی به پیش نرفت. با اینحال، با توجه به واقعیتهای تاریخی اجتماعی مهم است که حکومتهای شکل گرفته از پیروزی انقلابات دمکراتیک مردمی با پشتیبانی اکثریت کارگران و توده های مردم، برای مدت معینی از اختیارات استراتژیک مدیریتی برخوردار باشند. ولی آیا اعتقاد به حقوق توده های مردم در انتخاب مختصات و قوانین سیاسی/اجتماعی در راستای مناسبات انسانی و مشارکت دمکراتیک در سازماندهی آنها ایجاب نمیکند که چارچوبی متشکل از ساختارها و موازین انتخاباتی و دمکراتیک (جمهوری) برای دوران گذار وجود داشته باشد. و آیا مهم نیست که در کنار حکومت های سراسری و محلی، همچنین تجمعهای مردمی در قالب شوراها، کمیته ها، انجمن ها و اتحادیه های کارگری و اجتماعی تدریجا اختیارات مدیریتی و کنترل کننده را در اختیار بگیرند. مجموعه ای از این نوع تجربیات تاریخی و دستاوردهای بشری در میان جنبشهای مردمی، بویژه در جنبش کارگری ایجاب میکند که در جنبش آزادیخواه و مردمی ایران برای عبور از جمهوری اسلامی بسوی یک آینده انسانی تر، وسیعترین سطح از جریان ها و نیروهای چپ و دمکراتیک که با دخالت از سوی قدرتهای خارجی و نظام موروثی مخالف هستند، گرد آیند. تنها در فردای بعد از پیروزی انقلاب مردمی و استیلای آزادیهای دمکراتیک در چارچوب نظامی جمهوری است که توده های مردم آگاهانه و تحت هدایت سازمانها و جریانات چپ و سوسیالیستی قادر خواهند بود که در حین مشارکت در امور جامعه در راستای ایجاد جامعه ای انسانی تر و عادلانه تر و در صورت ارتقاء به شناخت و توانمندی از سوسیالیسم در جهت مناسبات غیر ستمگرانه و غیر استثماراری حرکت نمایند. یقیناً، امکان پیشروی موثر در این مسیر به شکلگیری جبهه مردمی جهت برکناری نظام ارتجاعی حاضر

بستگی پیدا میکند.

فرامرز دادور

6 اگوست 2025

“افزایش نگران‌کننده” اعدام‌ها در ایران



فولکر تورک، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، نسبت به “افزایش نگران‌کننده اعدام‌ها” در ایران هشدار داد و از تهران خواست تا اجرای این مجازات را متوقف کند. به گفته او، اعدام‌ها در ایران در نیمه نخست ۲۰۲۵ به نسبت سال قبل بیش از دو برابر شده است.

به گفته کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل، دستکم ۶۱۲ نفر در نیمه نخست سال ۲۰۲۵ در ایران اعدام شده‌اند

سازمان ملل متحد امروز دوشنبه ۲۸ ژوئیه (۶ مرداد)، ضمن هشدار نسبت به «افزایش نگران‌کننده اعدام‌ها» در ایران، که شامل دستکم ۶۱۲ مورد اعدام در سال جاری میلادی می‌شود، از جمهوری اسلامی خواست تا اعمال مجازات مرگ را متوقف کند.

در بیانیه فولکر تورک، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل، آمده است: «گزارش‌های صدها مورد اعدام در ایران در سال جاری تاکنون، نشانگر وخامت نگران‌کننده وضعیت و نیاز فوری به تعلیق سریع اجرای مجازات اعدام در این کشور است.»

بر اساس اطلاعات گردآوری‌شده از سوی دفتر حقوق بشر سازمان ملل، دستکم ۶۱۲ نفر در نیمه نخست سال ۲۰۲۵ در ایران اعدام شده‌اند.

بیش از دو برابر شدن اعدام‌ها

در بیانیه کمیسر عالی حقوق بشر آمده است که این رقم بیش از دو برابر تعداد اعدام‌ها در بازه زمانی مشابه در سال ۲۰۲۴ است؛ زمانی که طبق گزارش‌ها، دستکم ۲۹۷ مورد اعدام در ایران به اجرا گذاشته شده بود.

بیانیه کمیسر حقوق بشر سازمان ملل یک روز پس از اجرای حکم اعدام دو زندانی سیاسی متهم به عضویت در سازمان مجاهدین خلق، مهدی حسنی و بهروز احسانی اسلاملو، منتشر شده است. این دو، به ترتیب، در شهریور و آذر ۱۴۰۱ دستگیر و به زندان اوین منتقل شده بودند.

زمان دستگیری این دو زندانی سیاسی نشان می‌دهد که آنها سال‌ها قبل بازداشت شده بودند و جمهوری اسلامی شرایط ملتهب پس از جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل را برای اعدامشان فراهم‌شده دیده است.

در بیانیه کمیسر حقوق بشر سازمان ملل تأکید شده که میانگین شمار اعدام‌ها در ایران، در میان اقلیت‌ها بیشتر است.

مجازات اعدام فقط برای «جرائم شدید»؟

سخنگوی وزارت خارجه ایران نیز امروز دوشنبه، هم‌زمان با انتشار بیانیه کمیسر عالی حقوق بشر، تصمیم در خصوص تعیین مجازات و نحوه اجرای آن را برعهده خود کشورها دانست و گفت: «مجازات اعدام در ایران برای شدیدترین جنایات تعیین شده است.»

اسماعیل بقایی در عین حال افزود که تلاش قوه قضاییه جمهوری اسلامی «این است که این موارد را به جرایم خیلی شدید محدود کند.»

اتهامات "کلی و مبهم"

فولکر تورک از گزارش‌هایی ابراز "نگرانی شدید" کرده که طبق آنها، دستکم ۴۸ نفر در حال حاضر در ایران در صف اعدام قرار دارند که ۱۲ تن از آنان را خطر "اعدام قریبالوقوع" تهدید می‌کند.

دفتر کمیسر عالی حقوق بشر اعلام کرده است که بیش از ۴۰ درصد از اعدام‌شدگان سال جاری به ارتکاب جرایم مرتبط با مواد مخدر محکوم شده بودند، در حالی که بقیه با «اتهامات کلی و مبهمی مانند "محرابه" و "افساد فی‌الارض"» که غالباً از سوی مقام‌های ایرانی برای سرکوب مخالفان به‌کار گرفته می‌شود، محاکمه شده‌اند.

تورک افزوده است که بر اساس اطلاعات جمع‌آوری‌شده از سوی دفترش، در موارد متعددی روند قضایی در پشت درهای بسته برگزار شده و به شکل مستمر از اصول دادرسی عادلانه و تضمین‌های محاکمه عادلانه تخطی شده است.

چندین سازمان غیردولتی می‌گویند که مقام‌های ایرانی پس از جنگ ۱۲روزه با اسرائیل، صدها نفر را دستگیر و ده‌ها نفر را اعدام کرده‌اند. آنها جمهوری اسلامی را متهم می‌کنند که با ایجاد فضای رعب و وحشت، می‌کوشد ضعف‌های آشکارشده خود در جریان جنگ را جبران کند.

طبق گزارش سازمان حقوق بشر ایران، مستقر در اسلو، جمهوری اسلامی در سال گذشته میلادی (۲۰۲۴) دستکم ۹۷۵ نفر را اعدام کرده که این بالاترین آمار از زمان آغاز ثبت داده‌های این سازمان از سال ۲۰۰۸ تا کنون است.

طبق برآورد این نهاد حقوق بشری، وقتی تنش یا تهدید جنگ با کشوری دیگر وجود دارد، آمار اعدام‌ها بالا می‌رود. این سازمان غیردولتی اعلام کرده است: «بیش از ۷۰ درصد از ۹۷۵ اعدامی که سازمان حقوق بشر ایران در سال ۲۰۲۴ میلادی تایید کرد، پس از آغاز تنش بین ایران و اسرائیل اجرا شدند.»

ایران برای مجموعه‌ای از جرایم سنگین، مجازات اعدام را اعمال می‌کند و به گفته گروه‌های حقوق بشری، از جمله عفو بین‌الملل، پس از چین در رتبه دوم بالاترین شمار اعدام در جهان قرار دارد.

برگرفته از دویچه ولی

6 مرداد 1404 - 28 ژوئیه 2025

اعدام دو زندانی سیاسی در ایران



مهدی حسنی - بهروز احسانی اسلاملو

بنا به گفته رسانه قوه قضائیه، بامداد یکشنبه ۵ مرداد دو زندانی سیاسی با نام‌های مهدی حسنی و بهروز احسانی اسلاملو به دار آویخته شدند. سازمان‌های حقوق بشری هشدار داده‌اند که اعدام زندانیان سیاسی در ایران تشدید شده است.

بنا به گزارش سایت میزان، رسانه قوه قضائیه، بامداد یکشنبه ۵ مرداد دو زندانی سیاسی با نام‌های مهدی حسنی و بهروز احسانی اسلاملو به دار آویخته شدند.

بهروز احسانی اسلاملو، ۶۹ ساله در روز ۱۵ آذر ۱۴۰۱ دستگیر و به زندان اوین منتقل شد. مهدی حسنی نیز در ۲۰ شهریور ۱۴۰۱ در زنجان بازداشت شد و سپس به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل گشت.

خبرگزاری میزان مدعی شده است که این دو تن عضو "سازمان مجاهدین خلق ایران" بوده‌اند. دیوان عالی کشور نیز حکم اعدام این دو را تایید کرده بود.

بنا به ادعای مقامات قضایی حکومت ایران، این دو زندانی سیاسی اقدام به "ساخت لانچر و خمپاره‌انداز دستی می‌کردند و با پرتابه‌های بی دقت به شهروندان، منازل، اماکن خدماتی و اداری، مراکز آموزشی و خیریه خسارت می‌زدند و تلفات می‌گرفتند."

به گفته مقامات قضایی حکومت، بهروز احسانی اسلاملو "در هنگام خروج از مرز زمینی به کشور ترکیه" توسط نیروهای وزارت اطلاعات دستگیر شده است. این در حالی است که وبسایت مجاهدین خلق، محل دستگیری او را تهران ذکر کرده است.

بر طبق روال معمول، مقامات قضایی جمهوری اسلامی مدعی شدند که از متهمان "سلاح گرم، فشنگ و تجهیزات ساخت خمپاره" کشف شده است.

زمان دستگیری این دو نشان می‌دهد که آنها سال‌ها قبل بازداشت شده بودند و تنها در شرایط ملتهب ایران پس از جنگ ایران و اسرائیل شرایط برای اعدام آنها فراهم شده است.

این دو به اتهامی موسوم به "بغی"، و نیز عضویت در سازمان مجاهدین "با هدف برهم زدن امنیت کشور، جمع‌آوری اطلاعات و قرار دادن آن در اختیار دیگران اجتماع و تبانی و محاربه از طریق تخریب اموال عمومی با هدف برهم زدن امنیت کشور" محاکمه شده بودند.

افزایش سرکوب مخالفان و تشدید اعدام‌ها در ایران

سازمان حقوق بشر ایران، مستقر در نروژ در گزارشی اعلام کرد که طی سه‌ماهه نخست سال جاری (۲۰۲۵) شمار اعدام‌ها در ایران در قیاس با مدت مشابه سال گذشته دو برابر شده است.

به گزارش سازمان حقوق بشر ایران، جمهوری اسلامی در سال ۲۰۲۴ میلادی دستکم ۹۷۵ را اعدام کرده که این بالاترین آمار از زمان آغاز ثبت‌داده‌های این سازمان از سال ۲۰۰۸ تا کنون است.

طبق برآورد این نهاد حقوق بشری، وقتی که تنش یا تهدید جنگ با کشوری دیگر وجود دارد، آمار اعدام‌ها بالا می‌رود. این سازمان اعلام کرد: «بیش از ۷۰ درصد از ۹۷۵ اعدامی که سازمان حقوق بشر ایران در سال ۲۰۲۴ میلادی تایید کرد، پس از آغاز تنش بین ایران و اسرائیل اجرا شدند.»

محمود امیری‌مقدم، رئیس این سازمان حقوق بشری هشدار داد که جمهوری اسلامی ممکن است از نگرانی‌ها درباره احتمال درگیری با آمریکا برای افزایش اعدام‌ها بهره‌برداری کند.

امیری‌مقدم افزود: «خطر افزایش چشمگیر اعدام‌ها در هفته‌های آینده جدی است. مقامات ایرانی ممکن است همان‌گونه که در گذشته نیز دیده شده از تمرکز افکار عمومی بر تنش‌های میان ایران و آمریکا سوءاستفاده کرده و شمار بیشتری از اعدام‌ها، از جمله اعدام زندانیان سیاسی را اجرا کنند.»

به گفته سازمان‌های حقوق بشری، جمهوری اسلامی به ویژه پس از خیزش مردمی "زن، زندگی، آزادی" از مجازات اعدام به‌عنوان ابزاری برای ایجاد رعب و وحشت در جامعه استفاده می‌کند.

برگرفته از دویچه ولی

شاهخ خیامی

یکشنبه 5 مرداد 1404 - 27 ژوئیه 2025

بیانیه «همبستگی برای آزادی»

زندانیان سیاسی و عقیدتی و نه به اعدام»



آزادی فوری و بی قید و شرط
زندانیان سیاسی و عقیدتی
**IMMEDIATE AND
UNCONDITIONAL
RELEASE OF ALL
POLITICAL AND
IDEOLOGICAL
PRISONERS**

بیانیه‌ی بیش از 600 تن از روشنفکران و دانشگاہیان و کنشگران سیاسی و مدنی در ایران و خارج کشور برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی و لغو حکم‌های اعدام (نه به اعدام)

هم‌میهنان گرامی،

کشور ما در یکی از بحرانی‌ترین و خطیرترین چرخش‌های تاریخی خود قرار گرفته است. و همان‌گونه که کارنامه‌ی سیاه حکومت اسلامی در این ۴۶ سال نشان می‌دهد در چنین لحظه‌های سرنوشت‌ساز، بیش از هر زمان دیگری باید نسبت به وضعیت ناروشن و نگران‌کننده‌ی زندانیان سیاسی و عقیدتی و احتمال آغاز دورِ اعدام‌های بزرگ هشیار بود. شکل شرم‌آور و ضدانسانی انتقال زندانیان اوین و خبرهای اعدام‌هایی که این روزها از ایران می‌رسد نشانه‌های بسیار جدیِ خطرناکیست که جان عزیزان در بندِ ما را تهدید می‌کند.

ما، از شهرها و کشورهای مختلف جهان گرد هم آمده ایم تا با هم برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی و توقف حکم‌های اعدام در ایران مبارزه کنیم.

«همبستگی برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی و نه به اعدام» نه یک سازمانی سیاسی به معنای متعارف آن است و نه به هیچ‌تشکل و جریان خاص سیاسی وابسته. بلکه یک جریان حقوق بشری است که در آن

هرنوع فعالیت و تبلیغ به نفع هر سازمان و جریان سیاسی چه در درون آن و چه در فعالیت‌های آن جایی ندارد.

ما، از طیف‌های گوناگون، در مقام افراد مستقل جمع شده ایم تا با تکیه بر وجدان جمعی و مسئولیت انسانی‌مان برای دو خواست مشخص مبارزه کنیم:

هموطنان عزیز،

از شما دعوت می‌کنیم به این کارزار بپیوندید و به هر شکل ممکن در تحقق این دو هدف انسانی ما را همراهی و یاری کنید:

- آزادی بی‌قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی
- توقف فوری حکم‌های اعدام در ایران

همبستگی برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی و نه به اعدام

6 مرداد 1404 برابر با 28 ژوئیه 2025

بیانیه با لیست اسامی ۶۳۵ امضاکننده

لینک دادخواست عمومی: <https://chnq.it/yXThywJtJS>

آدرس ایمیل: solidarity.fpne@gmail.com

نام‌های امضاکنندگان به ترتیب الفبای فارسی:

نام خانوادگی، نام

۱- ابتهاج، آسیا

۲- ابراهیم زاده، محمود

- ۳- ابراهيمى، امير
- ۴- ابراهيمى، حامد
- ۵- ابراهيمى، فرهاد
- ۶- ابراهيمى، ناهيد
- ۷- ابرى، صمد
- ۸- ابوالحسنى، امير
- ۹- ابوذر، فاطمه
- ۱۰- ابوذرخانى، تورج
- ۱۱- ابوطالبى، محمد
- ۱۲- احدى، مينا
- ۱۳- احسانى پور، مهرداد
- ۱۴- احمدائى، شهرام
- ۱۵- احمدپور، نزهت
- ۱۶- احمدلو، داود
- ۱۷- احمدى، احمد
- ۱۸- احمدى، بهروز
- ۱۹- احمديان، ديان
- ۲۰- احمرى، كيوان
- ۲۱- اخوان، مانى
- ۲۲- اخوان، مهدى
- ۲۳- اردبيلى، عليرضا
- ۲۴- اردلان، شهلا

- ۲۵- اردلان، یوسف
- ۲۶- اردو خانی، ابوالفضل
- ۲۷- ارشاد، اردوان
- ۲۸- ارشدی، بیژن
- ۲۹- اروندی، مرجان
- ۳۰- اژدری، اهورا
- ۳۱- اسانگران، محمود
- ۳۲- اسدی، رضا
- ۳۳- اسدی، بهروز
- ۳۴- اسدی، هوشنگ
- ۳۵- اسفندارمز، شریں
- ۳۶- اسفندیاری، مهران
- ۳۷- اسکندری، آزاده
- ۳۸- اسکویی، نازی
- ۳۹- اسلامی، زهرا
- ۴۰- اسماعیل پور، کیقباد
- ۴۱- اسماعیلزاده، زینت
- ۴۲- اسماعیلی، رضا
- ۴۳- اشکان، فرید
- ۴۴- اعتمادی، حسن
- ۴۵- اعتمادی، کورش
- ۴۶- اعتمادی، مریم

- ۴۷- افتخاری، بیژن
- ۴۸- افراز، حسن
- ۴۹- افشار، سهند
- ۵۰- افشار، مژگان
- ۵۱- افشار، نینا
- ۵۲- افشار، هنگامه
- ۵۳- افشاری، علی
- ۵۴- افشنگ، نوشین
- ۵۵- افشین جم، افشین
- ۵۶- افضلی، سعید
- ۵۷- اقدمی، امید
- ۵۸- اکباتانی، الن
- ۵۹- اکبری، حبیب
- ۶۰- اکبری، منصور
- ۶۱- الموتی، سعید
- ۶۲- الهیاری، مزدک
- ۶۳- الوندی، مینو
- ۶۴- امانپور، ثریا
- ۶۵- امانی، الهه
- ۶۶- امیرانتظام، الهه
- ۶۷- امیرخسروی، بابک
- ۶۸- امیری، آتسا

- ۶۹- امیری، خسرو
- ۷۰- امیری، رحیم
- ۷۱- امیری، عظیم
- ۷۲- امیری، نوشابه
- ۷۳- امین، افشین
- ۷۴- امینی، علی
- ۷۵- انتشاری، علی
- ۷۶- انتصاری، شهلا
- ۷۷- انصاری، بهروز
- ۷۸- انصاری، شیوا
- ۷۹- انصاری، فرید
- ۸۰- انصاری، نیره
- ۸۱- انصاری، وهاب
- ۸۲- انواری، بهمن
- ۸۳- اهدایی، سیف
- ۸۴- اهری، مریم
- ۸۵- اوحدی، سعید
- ۸۶- ایزدپناه، پثواک
- ۸۷- ایلامپور، نامدار
- ۸۸- آب نار، سارا
- ۸۹- آذرخش، آرش
- ۹۰- آزموده، رضا

- ۹۱- آشوغ، مهدی
- ۹۲- آقا عسگری مانی، میرزا
- ۹۳- آگین جونقانی، مهرداد
- ۹۴- آهی، شهریار
- ۹۵- آیلور، رضا
- ۹۶- با بامیری، ژینو
- ۹۷- با بایی، مریم
- ۹۸- باران، ابراهیم
- ۹۹- بازرگان، بابک
- ۱۰۰- بازرگان، لادن
- ۱۰۱- باغانی، علی اکبر
- ۱۰۲- باهری کیا، عباس
- ۱۰۳- بدیعی، رضا
- ۱۰۴- بدیعی، وحید
- ۱۰۵- براتی، مهران
- ۱۰۶- برادری، امیر
- ۱۰۷- برزگر، جمشید
- ۱۰۸- برزگر، کیان
- ۱۰۹- برزنجه، محمد
- ۱۱۰- بروجردی، مهرزاد
- ۱۱۱- برومند، رضا
- ۱۱۲- بستجانی، عشرت

- ۱۱۳- بلدی، یدی
- ۱۱۴- بلوچ سرخوش، مهیم
- ۱۱۵- بندری، خسرو
- ۱۱۶- بندوئی، رحیم
- ۱۱۷- بنی اعتماد، رخشان
- ۱۱۸- بهارشیدایان، یار
- ۱۱۹- بهبودی، امیرحسین
- ۱۲۰- بهبودی، محمد
- ۱۲۱- بهرام، رستا
- ۱۲۲- بهرامی، عصمت
- ۱۲۳- بهرامی، نیما
- ۱۲۴- بهره‌من، حبیب
- ۱۲۵- بهزادی، بابک
- ۱۲۶- بهمنش، سیما
- ۱۲۷- بهمنی، ناهید
- ۱۲۸- بهمنیاری قشقایی، سیاوش
- ۱۲۹- بیانی، نورا
- ۱۳۰- بی آزار، حمید
- ۱۳۱- بیات، بهروز
- ۱۳۲- بیات، بهنام
- ۱۳۳- بیتا، مسعود
- ۱۳۴- بیضایی، نیلوفر

- ۱۳۵- پارسا، کورش
- ۱۳۶- پارسا، میثاق
- ۱۳۷- پارسیان، داوید
- ۱۳۸- پاکخو، نسرین
- ۱۳۹- پاکروان، شعله
- ۱۴۰- پاکزاد، فرامرز
- ۱۴۱- پرداز، حمید
- ۱۴۲- پرسیان، علی
- ۱۴۳- پرویز، مهدی
- ۱۴۴- پزشکی، امیرحسین
- ۱۴۵- پژمان، فرزین
- ۱۴۶- پژهان، فیروز
- ۱۴۷- پلار، ندا
- ۱۴۸- پهلوانی، پریسا
- ۱۴۹- پور بهنام، بیژن
- ۱۵۰- پوردوئی، محمد
- ۱۵۱- پورعبدالله، سعید
- ۱۵۲- پورعبدالله، فریده
- ۱۵۳- پورفاضل، گیتی
- ۱۵۴- پورمندی، احمد
- ۱۵۵- پوشایی، مهرداد
- ۱۵۶- پوینده، پریسا

- ۱۵۷- پیرامون، رامین
- ۱۵۸- پیرنظر، ژاله
- ۱۵۹- پیوندی، سعید
- ۱۶۰- تاج الدین ماهانی، مرضیه
- ۱۶۱- ترابی، محمد
- ۱۶۲- تقوی، سعید
- ۱۶۳- تقوی بیات، منوچهر
- ۱۶۴- تقی پور، زیبا
- ۱۶۵- تقی زاده، ایرج
- ۱۶۶- تنوری، محسن
- ۱۶۷- تهران، آذر
- ۱۶۸- تهرانی، مریم
- ۱۶۹- تهرانی، مهدی
- ۱۷۰- توحیدی، نیره
- ۱۷۱- توسطی، امیرحسین
- ۱۷۲- توکلی، تقی
- ۱۷۳- توکلی، ژینوس
- ۱۷۴- ثابت راسخ، سهیل
- ۱۷۵- ثقفی، حبیب
- ۱۷۶- جام برسنگ، طاهر
- ۱۷۷- جان درود، رضا
- ۱۷۸- جانیپور، لاله

- ۱۷۹- جاھدی، یوسف
- ۱۸۰- جاوید، اسفندیار
- ۱۸۱- جباری، مهدی
- ۱۸۲- جزئی، میهن
- ۱۸۳- جعفری، حسن
- ۱۸۴- جعفری، محمود
- ۱۸۵- جعفریان، رضا
- ۱۸۶- جلالی، پارتیبا
- ۱۸۷- جلايفر، ژولیا
- ۱۸۸- جمشیدی رودباری، فردوس
- ۱۸۹- جهانگیری، افسانه
- ۱۹۰- جهانیان، شیرین
- ۱۹۱- جوادی، کامبیز
- ۱۹۲- جواهری، فرزاد
- ۱۹۳- جودکی، آرش
- ۱۹۴- جیگاره ایی، توران
- ۱۹۵- چاووشی، رضا
- ۱۹۶- چمن ارا، سهراب
- ۱۹۷- حاج محسن، صدیقه
- ۱۹۸- حجت، علی
- ۱۹۹- حسن زاده، ابراهیم
- ۲۰۰- حسنزاده مهرآبادی، محمدحسن

- ۲۰۱- حسین بر، رضا
- ۲۰۲- حسین زاده عبدالخالق قدوسی، احسان
- ۲۰۳- حسینچی، محبوبه
- ۲۰۴- حسینی، حمید
- ۲۰۵- حسینی، شیرین
- ۲۰۶- حقی، بهروز
- ۲۰۷- حمزه، بهزاد
- ۲۰۸- حیاتی، افشین
- ۲۰۹- حیاتی، ملیحه
- ۲۱۰- حیدر نژاد، حنیف
- ۲۱۱- حیدری، پری
- ۲۱۲- حیدری، محمدرضا
- ۲۱۳- حیدری، معین
- ۲۱۴- حیدری فرد، امین
- ۲۱۵- خادمی، مهدی
- ۲۱۶- خاکسار، کیا نوش
- ۲۱۷- خاوند، فریدون
- ۲۱۸- ختائی، اسماعیل
- ۲۱۹- خداشناس، فرامرز
- ۲۲۰- خرمی، بتول
- ۲۲۱- خسروی، فرشته
- ۲۲۲- خسروی، محمدرضا

- ۲۲۳- خسروی، مهسا
- ۲۲۴- خشتی، محمدرضا
- ۲۲۵- خلاصی، شهریار
- ۲۲۶- خلف، اسفندیار
- ۲۲۷- خلف (صدیقه)، ایران‌دخت
- ۲۲۸- خلفانی، احمد
- ۲۲۹- خلیق، بهروز
- ۲۳۰- خواجه، نوشین
- ۲۳۱- خواجه بهمنی، سامان
- ۲۳۲- خواجه بهمنی، سپهر
- ۲۳۳- خوانساری، مهرداد
- ۲۳۴- خوش‌چین، مهناز
- ۲۳۵- خونجوش، جمشید
- ۲۳۶- خیابانی، مراد
- ۲۳۷- دالوند، سهیلا
- ۲۳۸- دانیالی، ایران
- ۲۳۹- داودی، جمیله
- ۲۴۰- داور، مرتضی
- ۲۴۱- درویش‌پور، مهرداد
- ۲۴۲- دلنواز، ناهید
- ۲۴۳- دلیریان، مجید
- ۲۴۴- دهبان، مجید

- ۲۴۵- دهقان، رضا
- ۲۴۶- دوستدار، اکبر
- ۲۴۷- دوستدار، نعیمه
- ۲۴۸- دولتی، هوتن
- ۲۴۹- ذوالفقاری، مهدی
- ۲۵۰- راد، فریدون
- ۲۵۱- راستخانی، حمیده
- ۲۵۲- راوند، لیلا
- ۲۵۳- رباطیان، رضا
- ۲۵۴- رباطیان، ماریا
- ۲۵۵- رجب‌لو، محمود
- ۲۵۶- رحمانی، تقی
- ۲۵۷- رحمانی، ستار
- ۲۵۸- رحیمی، اکبر
- ۲۵۹- رستگار، اصغر
- ۲۶۰- رشیدیان، جهان‌شاه
- ۲۶۱- رنجبر، درویش
- ۲۶۲- رها، هرمز
- ۲۶۳- روزبهان، رزا
- ۲۶۴- روستا، ترانه
- ۲۶۵- روستایی، فرزانه
- ۲۶۶- روش، هایده

- ۲۶۷- روشندل، ابراهیم
- ۲۶۸- روشندل، جلیل
- ۲۶۹- رئیسی، حسین
- ۲۷۰- زاده، سیامک
- ۲۷۱- زرگریان، اسماعیل
- ۲۷۲- زعیم، کوروش
- ۲۷۳- زمانی، محمد
- ۲۷۴- زمانی، معصومه
- ۲۷۵- زمانی، هادی
- ۲۷۶- زمانی سراپی، مهدی
- ۲۷۷- زمینی، شعله
- ۲۷۸- زهتاب، حسن
- ۲۷۹- زهرایی، محمود
- ۲۸۰- زیارتی، شیردخت
- ۲۸۱- ساجدی، افشین
- ۲۸۲- سازور، حسین
- ۲۸۳- ساعی، سارا
- ۲۸۴- ساکی، بیژن
- ۲۸۵- ستوده، بهروز
- ۲۸۶- ستوده، بهزاد
- ۲۸۷- ستوده، سروش
- ۲۸۸- ستوده، لاله

- ۲۸۹- سراج، شهرزاد
- ۲۹۰- سرکوهی، فرج
- ۲۹۱- سرهنگیان، ژاله
- ۲۹۲- سطوت، مریم
- ۲۹۳- سعدی، رضا
- ۲۹۴- سعیدی، حسن
- ۲۹۵- سلطانی، حجت
- ۲۹۶- سلطانی، لقمان مصطفی
- ۲۹۷- سلیمانی، سیوان
- ۲۹۸- سلیمانی، منصور
- ۲۹۹- سلیمی، بابک
- ۳۰۰- سماکوش، امیر
- ۳۰۱- سهرابی، فرزاد
- ۳۰۲- سیاسی، ژیلا
- ۳۰۳- سیف، اکبر
- ۳۰۴- سیکارودی، ریو
- ۳۰۵- شادانلو، جهانگیر
- ۳۰۶- شاملی، یونس
- ۳۰۷- شاه حسینی، رضا
- ۳۰۸- شاهرکنی، عنایت
- ۳۰۹- شاهین پر، ناصر
- ۳۱۰- شب افروز، مسعود

- ۳۱۱- شبانکاره، پری
- ۳۱۲- شجاع پور، محمود
- ۳۱۳- شجاعی، منصوره
- ۳۱۴- شریعتمداری، حسن
- ۳۱۵- شریفی، پویان
- ۳۱۶- شعله‌سعدی، قاسم
- ۳۱۷- شفاعتیان، کورش
- ۳۱۸- شفیقی، فلورا
- ۳۱۹- شکوری، کیوان
- ۳۲۰- شکیب، سودابه
- ۳۲۱- شمس، زری
- ۳۲۲- شهابی، رفعت
- ۳۲۳- شهبازی، پروین
- ۳۲۴- شیخ الاسلامی، علیرضا
- ۳۲۵- شیخ بهایی، ارزو
- ۳۲۶- شیخ بهایی، حمید
- ۳۲۷- شیرازی، اصغر
- ۳۲۸- شیرازی، حمید
- ۳۲۹- شیرانی، راضیه
- ۳۳۰- شیرین سخن، مریم
- ۳۳۱- شیشه، زهره
- ۳۳۲- صادقی، غزاله

- ۳۳۳- صادق، مجید
- ۳۳۴- صادقیه، فرزین
- ۳۳۵- صارمی، فریبرز
- ۳۳۶- صالح، فرید
- ۳۳۷- صالح زاده، دارا
- ۳۳۸- صالحی، حسن
- ۳۳۹- صالحی، منوچهر
- ۳۴۰- صبا، منیژه
- ۳۴۱- صبری، سیمین
- ۳۴۲- صدارت، علی
- ۳۴۳- صدرالاشرافی، ضیاء
- ۳۴۴- صدیق، جعفر
- ۳۴۵- صدیق یزدچی، محمدحسین
- ۳۴۶- صفایی، ازیتا
- ۳۴۷- صفوی، سعدی
- ۳۴۸- صمدی، آرمیتا
- ۳۴۹- صمدی، کیوان
- ۳۵۰- صمدی، مازیار
- ۳۵۱- صنیعی فر، فرح
- ۳۵۲- ضرابی، رضا
- ۳۵۳- ضیاء محمودی، وحیده
- ۳۵۴- ضیایی، شاهین

- ۳۵۵- طالبی، اشکبوس
- ۳۵۶- طالبی، رضا
- ۳۵۷- طاہری، مینو
- ۳۵۸- طحان، فریدون
- ۳۵۹- طہماسبی، مہناز
- ۳۶۰- عابدی، پری
- ۳۶۱- عاشوری، محمود
- ۳۶۲- عالی نژاد، احمد
- ۳۶۳- عالی‌پیام، محمدرضا
- ۳۶۴- عباسی، بہرام
- ۳۶۵- عباسی، ہنگامہ
- ۳۶۶- عبداللہی، مسعود
- ۳۶۷- عبدی، اسماعیل
- ۳۶۸- عبدی، رویا
- ۳۶۹- عبدی پور، رویا
- ۳۷۰- عبقری، سیاوش
- ۳۷۱- عربشاہی، مہدی
- ۳۷۲- عسگری، آرون
- ۳۷۳- عسگری، غلام
- ۳۷۴- عطاری، عبدالوہاب
- ۳۷۵- عظیم پور، داریوش
- ۳۷۶- عظیمی، فرزانه

- ۳۷۷- علامه زاده، رضا
- ۳۷۸- علمداری، کاظم
- ۳۷۹- علوی، رضا
- ۳۸۰- علی محمدی، سرور
- ۳۸۱- علیپور، رضا
- ۳۸۲- علیزاده، حسین
- ۳۸۳- علیزاده، مهدی
- ۳۸۴- علیزاده، همایون
- ۳۸۵- عمرانی، ژیلا
- ۳۸۶- عمرانی، میرحمید
- ۳۸۷- عنبری، نادیا
- ۳۸۸- فاتحی، رادا
- ۳۸۹- فارسانی، آزاد
- ۳۹۰- فاطمی زاده، همایون
- ۳۹۱- فانی، زهره
- ۳۹۲- فانی، عنایت
- ۳۹۳- فانی یزدی، رضا
- ۳۹۴- فتاپور، مهدی
- ۳۹۵- فتاحی، حسین
- ۳۹۶- فتح الله زاده، اتابک
- ۳۹۷- فتح لله زاده، ارسلان
- ۳۹۸- فتحی، سعیده

- ۳۹۹- فتحی، مسعود
- ۴۰۰- فخرآبادی، صدیقه
- ۴۰۱- فداکار، شهرام
- ۴۰۲- فرجاد، فرهاد
- ۴۰۳- فرجی، سیاوش
- ۴۰۴- فرد، بهرام
- ۴۰۵- فرد، رضا
- ۴۰۶- فرد، فروزان
- ۴۰۷- فرشیدی، فرشید
- ۴۰۸- فرهنگ، سهیلا
- ۴۰۹- فرهنگ، منصور
- ۴۱۰- فروزنده، علی
- ۴۱۱- فرید، سیامک
- ۴۱۲- فرید، فرهنگ
- ۴۱۳- فریدتنکابنی، فریده
- ۴۱۴- فریدونفر، ایرج
- ۴۱۵- فغانی، ابوالفضل
- ۴۱۶- فکور، پوران
- ۴۱۷- فلاحی، رضا
- ۴۱۸- قادری، کامران
- ۴۱۹- قاسمی، پریرسا
- ۴۲۰- قاسمی، فرهنگ

- ۴۲۱- قاسمی، فریبا
- ۴۲۲- قاسمی، وجی
- ۴۲۳- قانڈی، مرسدہ
- ۴۲۴- قائم مقام، کامبیز
- ۴۲۵- قدسی، مہدی
- ۴۲۶- قربانی، امیرعباس
- ۴۲۷- قربانی دھناری، احد
- ۴۲۸- قریشی حجت، فرشتہ
- ۴۲۹- قزللو، مہناز
- ۴۳۰- قصری، ویدا
- ۴۳۱- قصیم، کریم
- ۴۳۲- قلی زادہ، مریم
- ۴۳۳- کازرونی، محمد
- ۴۳۴- کابلی، کیوان
- ۴۳۵- کاخساز، ناصر
- ۴۳۶- کار، صادق
- ۴۳۷- کار، مہر انگیز
- ۴۳۸- کاظمی، سعید
- ۴۳۹- کاظمی، منیرہ
- ۴۴۰- کاظمی سرشت، رحیم
- ۴۴۱- کردوانی، کاظم
- ۴۴۲- کرمانشاہی، نرگس

- ۴۴۳- کرمی، اکبر
- ۴۴۴- کرمی، الیاس
- ۴۴۵- کریمی، بهزاد
- ۴۴۶- کریمی، حسین
- ۴۴۷- کریمی، شهرزاد
- ۴۴۸- کریمی، هومن
- ۴۴۹- کریمیان، اکبر
- ۴۵۰- کریمیان الدین، ملیحه
- ۴۵۱- کشاورز، اعلا
- ۴۵۲- کشاورز، خدیجه
- ۴۵۳- کشاورز، سهیل
- ۴۵۴- کلانتری، حبیب
- ۴۵۵- کلانتری، حسن
- ۴۵۶- کلشاهی، حسن
- ۴۵۷- کمالپور، حسن
- ۴۵۸- کمالی، مصطفی
- ۴۵۹- کنعانی، ناصر
- ۴۶۰- کهور، یونس
- ۴۶۱- کوثر، نیک آهنگ
- ۴۶۲- کوثری، حمید
- ۴۶۳- کیا بی، جلال
- ۴۶۴- کیا نیور، فریده

- ۴۶۵ - کیانی، اصغر
- ۴۶۶ - کیانی، امیر
- ۴۶۷ - گرگین پور، منوچهر
- ۴۶۸ - گلپور، مجید
- ۴۶۹ - گلرو، مهدیه
- ۴۷۰ - گلشاهی، سیہلا
- ۴۷۱ - گوہری، ژالہ
- ۴۷۲ - لطفی، اسکندر
- ۴۷۳ - لقایی، جہانگیر
- ۴۷۴ - لکستانی، اکبر
- ۴۷۵ - لیقوانی، سہیلا
- ۴۷۶ - لیماکشی، مزدک
- ۴۷۷ - لیمونادی، علی
- ۴۷۸ - ماسالی، حسن
- ۴۷۹ - ماشاللہ پور، دنیا
- ۴۸۰ - مالکی، مجید
- ۴۸۱ - مالکی فرد، صدیقہ
- ۴۸۲ - ماہباز، عفت
- ۴۸۳ - مبشری، بہمن
- ۴۸۴ - متین، کامران
- ۴۸۵ - متین، مہناز
- ۴۸۶ - مجاورحقیقی، ناصر

- ۴۸۷- مجلسی، داریوش
- ۴۸۸- مجید عمرانی، میر
- ۴۸۹- مجیدی، همایون
- ۴۹۰- محبتی زاده، اکبر
- ۴۹۱- محسنی، پروین
- ۴۹۲- محمد حسینی، سیران
- ۴۹۳- محمدی، بهزاد
- ۴۹۴- محمدی، رضوانه
- ۴۹۵- محمدی، غلامرضا
- ۴۹۶- محمدی، لیلا
- ۴۹۷- محمدی، مجید
- ۴۹۸- محمدی، منوچهر
- ۴۹۹- محمدی، میلاد
- ۵۰۰- محمدی نیا، مینا
- ۵۰۱- محمدیانی، آزاد
- ۵۰۲- محمودی، ضرغام
- ۵۰۳- محمودی، فرزاد
- ۵۰۴- محمودی، فرشاد
- ۵۰۵- مختار، تقی
- ۵۰۶- مختاری، پرویز
- ۵۰۷- مختاری، منوچهر
- ۵۰۸- مدبر، سیدجلال

- ۵۰۹- مرادی، اسماعیل
- ۵۱۰- مرادی، شیدا
- ۵۱۱- مرتب، شهناز
- ۵۱۲- مرتضایی، مهدی
- ۵۱۳- مرتضوی، کیمیا
- ۵۱۴- مردوخ، فاتح
- ۵۱۵- مرزبان، علیرضا
- ۵۱۶- مرویان، امیر
- ۵۱۷- مریدی، رضا
- ۵۱۸- مسعودی، بنفشه
- ۵۱۹- مسیح‌پور، شکرالله
- ۵۲۰- مشیری، بهرام
- ۵۲۱- مصاحب، مسعود
- ۵۲۲- مصطفی، تحسین
- ۵۲۳- مصیبی، راشین
- ۵۲۴- مقدم، رضوان
- ۵۲۵- مقدم، شهرام
- ۵۲۶- مقدم، مریم
- ۵۲۷- مقرب، شاهین
- ۵۲۸- مقصودنیا، منوچهر
- ۵۲۹- مقیسه‌ای، سعید
- ۵۳۰- مکارمی، حسن

- ۵۳۱- مکوندی، ژيلا
- ۵۳۲- ملازاده، مسعود
- ۵۳۳- ملک، پروين
- ۵۳۴- ملک، علی
- ۵۳۵- ملکی، فاطمه
- ۵۳۶- ممبيني، امير
- ۵۳۷- ممتاز، امير هوشمند
- ۵۳۸- ممقانی، ایرج
- ۵۳۹- منتظر حقیقی، حسین
- ۵۴۰- منجری، روزبه
- ۵۴۱- منصور، آذر
- ۵۴۲- منفردزاده، اسفندیار
- ۵۴۳- مهاجر، ابراهیم
- ۵۴۴- مهاجر، آفرین
- ۵۴۵- مهاجر، رضا
- ۵۴۶- مهاجر، ناصر
- ۵۴۷- مهدوی، فرزانه
- ۵۴۸- مهدوی فر، محمد
- ۵۴۹- مهدی، شهره
- ۵۵۰- مهدی، علی اکبر
- ۵۵۱- مهر، بیژن
- ۵۵۲- مهراقدم، سعید

- ۵۵۳- مهران ادیب، فریبرز
- ۵۵۴- مهران ادیب، فرید
- ۵۵۵- مهران نیا، ویدا
- ۵۵۶- مهرگان، رضا
- ۵۵۷- مهمنش، فریده
- ۵۵۸- مهمنش، همایون
- ۵۵۹- موسوی، افسانه
- ۵۶۰- موسوی، آرش
- ۵۶۱- موسوی، میربهزاد
- ۵۶۲- مولایی، رضا
- ۵۶۳- میر حسینی، زهره
- ۵۶۴- میر هاشمی، اشرف
- ۵۶۵- میرزا بابایی، بهنام
- ۵۶۶- میرزایی، سیروس
- ۵۶۷- میرزایی، مجید
- ۵۶۸- میرزایی، محمود
- ۵۶۹- میرستاری، انور
- ۵۷۰- میرستاری، کریم
- ۵۷۱- میرنیا، شمسی
- ۵۷۲- میری سلیمان، ایلناز
- ۵۷۳- ناجی حبیب، فرشته
- ۵۷۴- ناصری، جاوید

- ۵۷۵- ناصری، مجید
- ۵۷۶- ناظمی، پوران
- ۵۷۷- ناظمی، توران
- ۵۷۸- نامی، پیروز
- ۵۷۹- نایب هاشم، حسن
- ۵۸۰- نجاتی، احمد
- ۵۸۱- نجفی، میترا
- ۵۸۲- نجفی، هما
- ۵۸۳- نجم آبادی، فرشید
- ۵۸۴- نجم آبادی، فریبرز
- ۵۸۵- نخل احمدی، مهدی
- ۵۸۶- نژاد، محسن
- ۵۸۷- نصرتی، اصغر
- ۵۸۸- نظری، طیبه
- ۵۸۹- نظریان، آرسن
- ۵۹۰- نعیمی، امین
- ۵۹۱- نعمتیان، اشکان
- ۵۹۲- نفری توفیق سهرابی، امیر
- ۵۹۳- نقره کار، مسعود
- ۵۹۴- نکوروح، مهرزاد
- ۵۹۵- نوبرزاده، مرتضی
- ۵۹۶- نوروزیان، منوچهر

- ۵۹۷- نوری زاد، فائزه
- ۵۹۸- نوری زاده، ناصر
- ۵۹۹- نوری زاد، محمد
- ۶۰۰- نیاکان، سینا
- ۶۰۱- نیکبخت، محمد
- ۶۰۲- نیکفر، محمدرضا
- ۶۰۳- نیکقدم، پگاه
- ۶۰۴- نیکمرام، محمد
- ۶۰۵- نیکنفس، عطیه
- ۶۰۶- نیلو، امیر
- ۶۰۷- نیلی، سمانه
- ۶۰۸- هاشمی، احمد
- ۶۰۹- هاشمی، تقی
- ۶۱۰- هدایتی، نادر
- ۶۱۱- همایون، شهرام
- ۶۱۲- همپایی، رحیم
- ۶۱۳- همتی، امیر
- ۶۱۴- همتی، مسعود
- ۶۱۵- همرنگ، عظم
- ۶۱۶- هنروش، شاهین
- ۶۱۷- هودشتیان، عطا
- ۶۱۸- هیرکانی، کورش

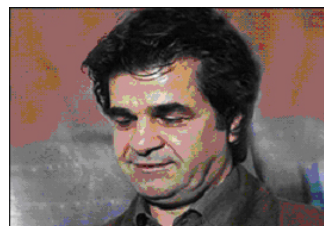
- ۶۱۹- واثقی، مسعود
- ۶۲۰- واحدی پور، پروین
- ۶۲۱- والی، ابراهیم
- ۶۲۲- والی، شاپور
- ۶۲۳- وحدانی، احمد
- ۶۲۴- ورزگر، شیده
- ۶۲۵- وزیری، مصطفی
- ۶۲۶- وزیری، نیک
- ۶۲۷- وکیلی، احد
- ۶۲۸- وکیلی، خشایار
- ۶۲۹- ولی، عباس
- ۶۳۰- یاسمی، طهمورث
- ۶۳۱- یحیایی، محمدحسین
- ۶۳۲- یزدی، بابک
- ۶۳۳- یگانه، فرهاد
- ۶۳۴- یگانه، وحید
- ۶۳۵- یوسفی، مهدی

آنان در دل آتش، انسان باقی

ما ندند...



جعفر پناهی



□ در گزارشی که ابوالفضل قدیانی و مهدی محمودیان از بمباران زندان اوین ارائه کردند، صحنه‌ای روایت شده است که کمتر در حافظه‌ی تاریخ جهان به آن بر می‌خوریم، لحظه‌ای شگفت که مرز میان اسارت و آزادی، قدرت و شرافت، از نو معنا می‌شود.

□ در روایت آنان آمده است:

«نزدیک ظهر روز دوشنبه، زندان اوین با صدای چند انفجار پیاپی لرزید. دو یا سه انفجار نزدیک بند ۴ رخ داد، و هنگامیکه زندانیان از در بند بیرون آمدند، مشاهده کردند که بهداری در چند متری‌شان در حال سوختن است و انبار کالاهای غذایی و بهداشتی زندان تخریب شده. عده‌ای از زندانیان برای کمک به مجروحان وارد بهداری شدند و شماری از کشته‌شدگان و زخمی‌ها را بیرون کشیدند.

همزمان، بند امنیتی زندان، که ده‌ها زندانی را در سلول‌های انفرادی مخوف خود جای داده بود، آسیب دید. درها باز شدند و زندانیان و مأموران امنیتی با چهره‌هایی وحشتزده از بند خارج شدند. تا حدود ساعت ۲ بعدازظهر، درحالی‌که تعداد مأموران زندان و نیروهای امنیتی اندک بود، پیکر حدود ۱۵ تا ۲۰ نفر از کارکنان بهداری، زندانیان، انباری‌ها، و مأموران بند ۲۰۹، توسط خود زندانیان از زیر آوار بیرون آورده شد.

در این لحظه‌ی پرهراس و خطرناک، آنچه برای زندانیان طبیعی به نظر می‌رسد، فرار از چنگال استبداد بود؛ اما آنچه رخ داده، سراسر حکایت از فداکاری دارد. در چنین لحظه بی‌نظم، طبیعی است که باید به فکر گریز بود، اما زندانیان بی‌هیچ وسیله‌ی امداد، خود را به دل آتش و ویرانی می‌زنند و زخمی‌ها و بدن‌های برجان کادر زندان را بیرون می‌کشند، حتی زمانی‌که زندانیان و مأموران بند امنیتی ۲۰۹ با چهره‌هایی هراسان بیرون آمدند، بدون کوچک‌ترین تبعیضی میان زندانی و بازجو، به یاری‌مصدومان شتافتند.

در آن روز، زندانیان بند ۴ با انتخابی روبه‌رو می‌شوند؛ میان نجات خود از چنگال استبداد، یا نجات انسان‌های دیگر با هر مرام و مسلک. آن‌ها آزادی فیزیکی خود را فدای جان انسان‌هایی کردند که پیش از این در مقابلشان ایستاده بودند. آن‌ها نه انتقام گرفتند، نه خشونت را با خشونت پاسخ دادند، بلکه به ساده‌ترین و شریف‌ترین شکل، «انسان» باقی ماندند و «انسانیت» را معنا بخشیدند، و این همان لحظه‌ای است که انسان دوستی، دیوارهای بلند زندان را درمی‌نوردد، و در حافظه‌ی تاریخ ماندگار می‌شود.

اما در همین سرزمینی که این زندانیان جان زندانبانان خود را نجات می‌دهند، در خیابان‌های پیش در دوره‌های مختلف، در آبان ۹۸ و در روزهای خیزش «زن، زندگی، آزادی»، در ۱۴۰۱ صحنه‌ای معکوس رخ داد؛ مأموران حکومت، نه در دل جنگ، بلکه در آرامش خیابان، اسلحه‌ها را به‌سوی مردم نشانه رفتند. پیکرهای جوانان این سرزمین را در خون غلتانند، به چشم‌هایشان گلوله فرو کردند، و اعتراف کردند که نه تنها به سرها، بلکه به پاها نیز شلیک کرده‌اند. آن‌هم نه برای نجات جان کسی، بلکه برای حفظ سلطه‌ی قدرت! حتی در همان روز حمله به اوین، تنها ساعاتی پس از فروکش کردن شوک بمباران زندان، نیروهای سپاه و وزارت اطلاعات، تفنگ‌ها را به سوی زندانیانی نشانه رفتند که هنوز درحال امدادرسانی بودند! در شرایطی که احتمال حمله‌ی دوم هنوز وجود داشت، درهایی که باز شده

بودند، دوباره قفل شدند. آب قطع شد، برق رفت، و تاریکی بار دیگر بر همه جا چیره شد.

□ اما حقیقت، پیش از آنکه درها قفل شوند، شکل گرفته بود:

زندانیان سیاسی با بدن‌هایی زخمی، اما دل‌هایی آزاد، کاری کردند که تاریخ آن را فراموش نخواهد کرد. آنان نشان دادند که شرافت را نمیتوان به زنجیر کشید، و انسانیت را نمیتوان سرکوب کرد.

حالا این پرسش برای همیشه باقی است:

چه کسی زندانی بود و چه کسی آزاد؟